«فرهیختگان» وضعیت بحرانی تأمین گاز در ایران و راهکار حل مسأله ناترازی را بررسی می‌کند

تخته‌گاز مصرف روی وضعیت قرمز

سیدحسامن حسینی
خبرنگار

ایران با دارا بودن ۳۳ تریلیون متر مکعب گاز، بعد از روسیه دومین دارنده منابع گازی دنیاست که طبق آمار موسسه EI در سال ۲۰۲۳ با تولید ۲۵۱٫۷ میلیارد متر مکعب گاز، سومین تولیدکننده بزرگ و با مصرف ۲۲۵٫۶ میلیارد متر مکعب گاز، چهارمین مصرف‌کننده بزرگ گاز دنیاست. طبق آمار ترازنامه هیدروکربوری، سهم «گاز» در سبد انرژی کشور ۷۱٫۸ درصد بوده و سهم «نفت» و «سایر منابع» به ترتیب ۲۶٫۹ و ۱٫۳ درصد است. بدین صورت می‌توان ادعا کرد که سبد تأمین انرژی ایران گازمحور بوده و از جنبه امنیت انرژی، وابستگی بالایی به گاز دارد.

طبق گزارش شرکت ملی گاز، میزان پوشش گازرسانی در ایران ۹۰ درصد بوده، یعنی ۹۵ درصد از جمعیت کشور از نعمت گاز برخوردارند، درحالی‌که این عدد در آمریکا و روسیه؛ دو تولیدکننده بزرگ گاز دنیا به ترتیب ۵۵ و ۷۰ درصد است. در این بین صنعت برق ایران نیز وابستگی بالایی به گاز به‌عنوان سوخت مصرفی دارد.

صنعت برق ایران گازی‌تر از آمریکا و روسیه!

درروزهایی که گرمای بی‌سابقه دست از سر کشور برنمی‌دارد و حتی در تابستان امسال، پایتخت ۱۱ روز متوالی دمای بالای ۴۰ را تجربه کرده و نازتازی گاز به بیش از ۸۱ هزار مگاوات معادل ۳۰ درصد از توان تولید عملیاتی برق رسیده، باز نیست یک لایه از صنعت نیروگاهی عقب‌تر برویم و به نقش گاز طبیعی در تأمین برق و انرژی کشور بپردازیم. طبق گزارش موسسه EI، سهم گاز در سبد سوخت تولید برق ایران، ۸۴٫۵ درصد است، درحالی‌که متوسط سهم گاز در تولید برق دنیا ۲۲٫۵ درصد؛ یعنی یک چهارم ایران (تصویر ۱). آمریکا و روسیه نیز کمتر از ایران و به ترتیب (۴۲٫۱ و ۴۴٫۸ درصد) از برق خود را با گاز طبیعی تولید می‌کنند. با وجود نقش پررنگ گاز طبیعی در اقتصاد ایران اما وضعیت صنعت گاز چندان جالب نیست و اگر فکری اساسی نشود این صنعت در مسیر فروپاشی قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی اقتصاد صنعت گاز و آخرین وضعیت تولید، مصرف، ناترازی گاز و راهکارهای رفع ناترازی پرداخته می‌شود.

در دولت چهاردهم شاهد افت تولید گاز خواهیم بود

ابتدا به سراغ وضعیت تولید و مصرف گاز برویم. پیش‌تر طبق «تخمین» سازمان برنامه‌وبودجه (تصویر ۲) قرار بود، میانگین کسری روزانه گاز در سال ۱۴۰۲ معادل ۷۳ میلیون متر مکعب در روز رخ بدهد که البته این برآورد به درستی محقق نشد و این کسری محتمل با افزایش ۵۳ میلیون متر مکعبی تولید گاز در دولت سیزدهم و رشد ظرفیت ذخیره‌سازی گاز جبران شد، اما به هر صورت با تداوم رشد مصرف و شرایط سخت تولید به احتمال زیاد ناترازی گاز در دولت چهاردهم به دلیل افت تولید افزایش خواهد یافت. محاسبات نشان می‌دهد که تقابل از سال ۱۴۰۳، میزان تولید و مصرف گاز، سالانه به ترتیب ۲٫۳۵ و ۲٫۳ درصد افزایش می‌یافت ولی از سال جاری به بعد، تولید گاز ۳٫۷ درصد کاهش یافته و مصرف ۲٫۴۸ درصد افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر، دولت چهاردهم برای رفع ناترازی گاز نه فقط با مشکل «افزایش مصرف» بلکه با چالش «افت تولید» نیز دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی عنوان کرده در سال ۱۴۰۱، میزان ناترازی گاز در زمستان روزانه ۲۲۵ میلیون متر مکعب بوده است و طبق برآورد صندوق توسعه ملی، حتی با فرض سرمایه‌گذاری ایران در پروژه ۲۰ میلیارد دلاری فشارافزایی میدان مشترک پارس جنوبی، در افق سال ۱۴۰۲، تقاضای گاز به‌اندازه سه‌برابر تولید خواهد بود.

نکته جالب اینکه طبق برآوردها، دولت چهاردهم در سال پایانی خود رقمی معادل ۳۷۳ میلیون متر مکعب در روز را به‌عنوان ناترازی در طول سال (و نه پیک مصرف) تجربه خواهد کرد که نشان‌دهنده یک بحران قریب‌الوقوع در حوزه گاز است، البته راهکارهایی برای توقف این ناترازی مشابه آنچه در دولت سیزدهم رخ داد، وجود دارد.

مصرف‌کنندگان بزرگ گاز در ایران چه کسانی‌اند؟

طبق آمار ترازنامه انرژی، شدت مصرف انرژی ایران بر مبنای پارامتری قدرت خرید و برابر میانگین جهانی است و این موضوع نشان می‌دهد ظرفیت صرفه‌جویی ۵۰ درصدی در مصرف فعلی انرژی در ایران وجود دارد. البته طبق برآورد ستاد تحول دولت سیزدهم، حدود ۲۵ درصد از این میزان چهت صرفه‌جویی و کاهش مصرف قابل تحقق است که عمده آن به حوزه گاز برمی‌گردد. همچنین به اعتقاد کارشناسان، راهکار رفع ناترازی در کاهش مصرف است نه افزایش تولید. زیرا از نظر اقتصادی و باتوجه به محدودیت منابع مالی، هزینه اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی نیرک‌سوم تا یک‌ششم پروژه‌های افزایش تولید است. اما سوال اساسی اینجاست که اولویت بهینه‌سازی مصرف گاز در کدام بخش یا بخش‌هاست؟ برای پاسخ به این پرسش به سراغ آمار مصرف گاز به تفکیک بخش‌ها می‌رویم. طبق آمار شرکت ملی گاز ایران در سال ۱۴۰۱ مجموعا ۲۳۵ میلیارد و ۶۲۶ میلیون متر مکعب گاز مصرف شده که نیروگاه‌ها، بخش خانگی، پتروشیمی، صنایع فولاد و بخش صنعتی بیشترین سهم از مصرف گاز را به خود اختصاص می‌دهند. (تصویر ۳)

پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها در صدر مصرف سرانه گاز

اما «میزان مصرف» به‌تنهایی شاخص مناسبی برای تعیین اولویت بهینه‌سازی مصرف نیست زیرا باید به تعداد مشترکان نیز توجه کرد. در واقع گروه مصرف‌کنندگانی در اولویت بهینه‌سازی قرار می‌گیرند که سرانه مصرف و واحد در آنها بیشترین از مابقی باشد. در واقع دولت باید به سراغ مصرف‌کنندگان بزرگی برود که با کمترین هزینه و پروژه، بیشترین صرفه‌جویی در مصرف گاز را رقم بزنند. در تصویر ۴، «میزان مصرف» هر بخش بر «تعداد مشترکان» آن تقسیم شده و سرانه مصرف هر واحد (کنتور) پتروشیمی در سال، ۶۵۴٫۹ میلیون متر مکعب گاز مصرف می‌کند و در این شاخص در صدر قرار گرفته و بعد از آن نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، صنایع سیمان و صنایع فولاد بیشترین سرانه مصرف را به خود اختصاص داده‌اند.

۷۰۰ شرکت پرمصرف، ۵۴ درصد گاز را مصرف می‌کنند!

شاید برای شما جالب باشد که چرا بخش خانگی، طبق شاخص میزان حجم مصرف، دومین مصرف‌کننده بزرگ گاز بود اما در بین بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز در شاخص سرانه حضور ندارند؟ ماجرا دقیقا به تعداد مشترکان خانگی بازمی‌گردد که ۲۵٫۲ میلیون مشترک را شامل می‌شود. البته تعیین اولویت بهینه‌سازی مصرف گاز بر مبنای «سرانه مصرف در هر بخش» به معنای این نیست که اگر در بخشی این سرانه کم بود، دولت بی‌توجه به آن باشد، بلکه هدف صرفا شناسایی اولویت‌هاست وگرنه صرفه‌جویی در همه بخش‌ها اهمیت بالایی دارد. در تصویر ۵، سهم درصدی هر بخش از مصرف گاز آورده شده و پنج بخش با بیشترین سرانه مصرف، شاخه‌گذاری شده است. اگر دولت بر پنج بخش پتروشیمی، نیروگاه، پالایشگاه، فولاد و سیمان تمرکز کند می‌تواند با برنامه‌ریزی بر تنها ۷۰۰ شرکت، بر ۵۴ درصد از کل مصرف گاز کشور، سیاست‌های بهینه‌سازی مصرف گاز را پیاده‌سازی کند؛ موضوعی که نیازمند توجه دولت چهاردهم در برنامه‌ریزی هاست.

هزینه تأمین هر مترمکعب گاز چقدر است؟

البته بزرگ‌ترین مانع تأمین گاز در مسیر اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف، قیمت پایین گاز در داخل کشور است که اقتصاد این پروژه‌ها را از صرفه انداخته و متوقف کرده است. این مشکل به‌صورت شدیدتری حتی در حفظ تولید گاز نیز وجود دارد. این مشکل به‌صورت شدیدتری حتی در حفظ تولید و تأمین میزان فعلی گاز نیز اثرگذار بوده، زیرا برای تعرفه عرضه فعلی گاز درآمد حاصل از فروش گاز از هزینه‌ها کمتر باشد عملا ضرر گاز، استهلاک خواهد شد. طبق گزارش موسسه مشاوره انرژی SolutiEN (تصویر ۶)، تأمین هرمترمکعب گازطبیعی در ۵ سال اخیر به‌طور میانگین هزینه‌ای حدود ۵٫۴ سنت دارد. حدود ۳۴ درصد (زیر ۲٫۵ سنت مربوط به هزینه تولید از میادین پارس جنوبی و سایر میادین گازی، ۳۰ درصد مربوط به هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری پالایشگاه‌ها و ۱۷ درصد مربوط به انتقال تا خرده‌فروشی و حدود ۲۰ درصد نیز هزینه سربار پالایش تا انتهفروشی است. طبق پروژه‌ها با توجه به افزایش هزینه‌های استخراج گاز هزینه تأمین هر متر مکعب گاز طبیعی از ۵٫۴ سنت به ۸٫۲ سنت خواهد رسید که ارزش ریالی آن بر مبنای دلار حواله به معنای افزایش هزینه از ۲٫۴۲ هزار تومان به ۳۷٫۵ هزار تومان است. البته توجه داشته باشید که این هزینه، بدون در نظرگرفتن ارزش ذاتی گاز، محاسبه شده است.

میانگین فروش گاز در داخل؛ هرمترمکعب ۶۱۳ تومان

پس حداقل هزینه تأمین هر مترمکعب گاز بدون ارزش ذاتی آن، ۲ هزار و ۴۲۰ تومان است. حال بیبینیم درآمد از فروش هر مترمکعب گاز چقدر است؟ در تصویر ۷، طبق آمار شرکت ملی گاز، میانگین صرفه فروش گاز به تفکیک هر بخش در سال ۱۴۰۱ آورده شده است. نکته جالب اینکه اگر بخش رمازارها را فاکتور بگیریم، تنها بخشی که رقمی بالاتر از هزینه تمام شده تأمین گاز را پرداخت می‌کند، پتروشیمی‌ها بند که در سال ۱۴۰۱ به ازای هر مترمکعب، ۳ هزار و ۷۵۰ تومان پرداخت کرده‌اند. نکته دیگر اینکه نیروگاه‌ها با سهم ۳۲٫۶ درصدی از مصرف گاز بزرگ‌ترین مصرف‌کننده گاز در کشورند و سامانه مصرف گاز آنها بعد از پتروشیمی‌ها، بیشترین رقم را ثبت کرده اما در سال ۱۴۰۱ به ازای هر مترمکعب گاز فقط ۲۵٫۳ تومان پرداخت کرده‌اند که پایین‌ترین تعرفه در بین همه مصرف‌کنندگان گاز محسوب می‌شود. همچنین به صورت میانگین در سال ۱۴۰۱، هر مترمکعب گاز طبیعی در داخل کشور به رقم ۶۱۳٫۲ تومان فروخته شده که این رقم فقط ۲۵ درصد از هزینه تمام‌شده را پوشش می‌دهد.

ایجاد بازار بهینه‌سازی انرژی در دولت سیزدهم

تا اینجا تا شاخص مصرف گاز، ۵ درصد وجود بستری برای اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی و فروش گاز صرفه‌جویی شده به صنایع، توجیه اقتصادی این طرح‌ها ایجاد می‌شود. ایده‌ای که البته در اواخر دولت سیزدهم و تحت عنوان گواهی صرفه‌جویی گاز در بستر بورس انرژی پیاده‌سازی شده است.

«برآورد» از تولید، مصرف و تراز گاز طبیعی تا ۱۴۰۶

تصویر۲

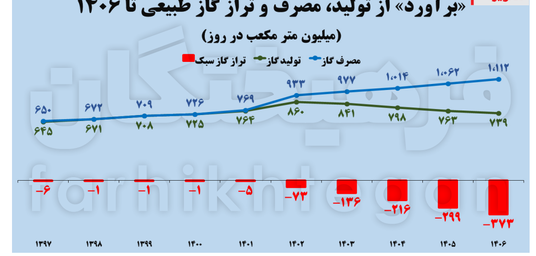

سهم سوخت‌های مختلف در تولید برق ایران و دنیا

تصویر۱

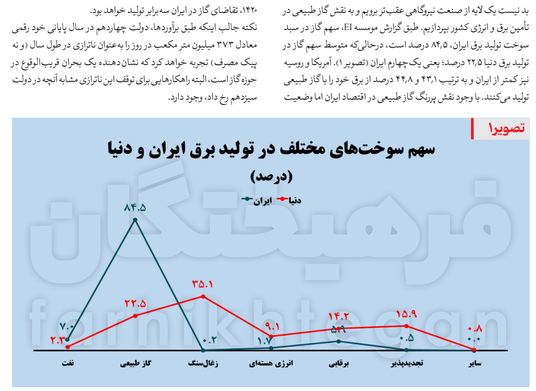

مصرف سالانه گاز در بخش‌های مختلف

تصویر۳

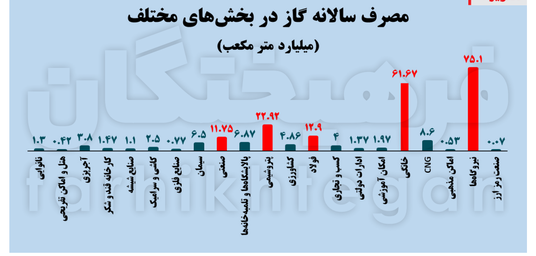

سهم هر واحد از مصرف سالانه گاز

تصویر۴

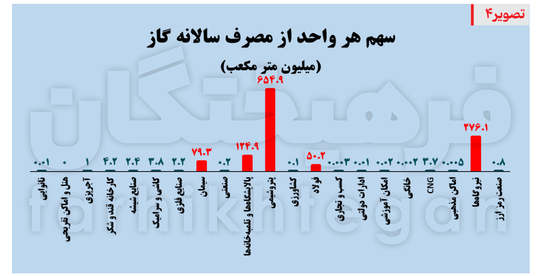

سهم بخش‌های مختلف از مصرف گاز

تصویر۵

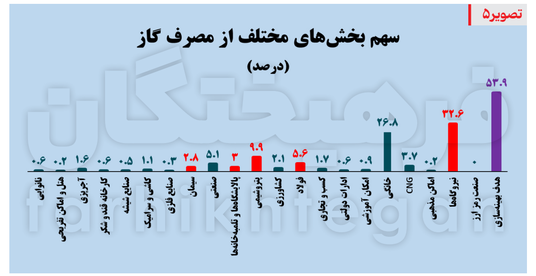

مجموع هزینه تأمین هر متر مکعب گاز در ۵ سال اخیر

تصویر۶

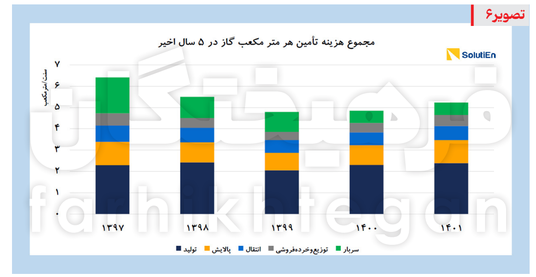

تعرفه گاز هر بخش مصرف‌کننده

تصویر۷

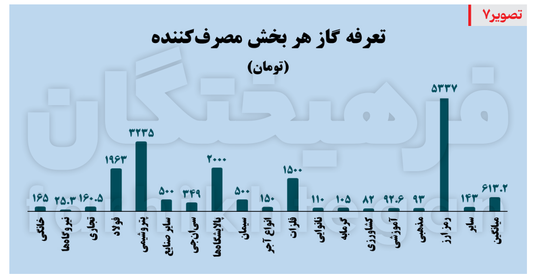

دفاع مقدس از منظر اندیشه

دکتر سیدمحمدجواد سیدی‌فرد
مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه دفاع مقدس و محور مقاومت

جنگ تحمیلی هشت ساله با آغاز تهاجم نظامی عراق در شهریورماه ۱۳۵۹ رسما شروع شد و علاوبر حریم هوایی و دریایی بیش از ۱۶۱۲ کیلومتر مرز غربی ایران مورد تجاوز واقع شد و حاکمیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران نقض شد. در مدت این جنگ بیش از ۲۲۶ هزار تن از هموطنان ایرانی به درجه شهادت نائل آمدند و بنابر آمار ۱۲۰ هزار نفر جانباز و بیش از ۲۲ هزار نفر نیز اسیر (آزاده) شدند. جنگ تحمیلی علاوبر خسارت مالی بیش از ۳۵۰ میلیارد دلاری در بخش محاسبات و منابع، این خسارت تا ۱۰۰ میلیارد دلار نیز اعلام شده است، و مشکلات فراوانی را در زمینه زیست محیطی، امنیت پایدار داخلی و منطقه‌ای، تجارت و اقتصاد داخلی و بین‌المللی، نشش‌های سیاسی، رواه عمومی و مسائل قومی و مذهبی، به وجود آورد به گونه‌ای که آثار آن همچنان در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی ایران مشهود است. دربارهٔ ابعاد و دلایل وقوع و ادامه جنگ تحمیلی و همچنین اندیشه و راهبردهای آن، سخن بسیار است و در این مقاله به برخی از زمینه‌ها، علل و اندیشه‌های مرتبط با دفاع مقدس پرداخته شده است.

پیشینه تنش‌ها و هماوردی ایران و عراق در قرن اخیر

پس از فروپاشی حکومت عثمانی و استقلال عراق اختلاف هیدروپلیتیکی بر سر حکمرانی در حوزه اروندرود یکی از محورهای اصلی تنش‌های ایران و عراق بوده است تاکنگه انعقاد عهدنامه‌های صلح گرایانه در سال ۱۳۱۶ و همچنین پیمان چهارجانبه معاهدات (عهدنامه عدم تعرض/ موجب بهبود روابط، دوستی و نزدیکی میان دو کشور شد. با این وجود پس از دو قدرت رسیدن حزب بعث در عراق (۱۹۶۸ م)، به دلیل اندیشه‌های متعصبانه عربی میل به افزایش اقتدار ملی و گسترش حوزه نفوذ منطقه‌ای، تلاش برای ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی و هم‌قدرت منطقه، سودای رهبری بر خلق عرب و نیاز به فضای جغرافیای مطلوب برای توسعه اقتصادی این روابط به تیرگی گرایید آن چنانکه از سال ۱۳۴۹ (۱۳۴۸ ش، بیش از ۶ مورد درگیری مرزی بین دوکشور رخ داد. علاوبر این، سختگیری‌های روزافزون دولت عراق بر ایرانیان مقیم آن کشور، حمایت ایران از کردهای عراقی مخالف حزب بعث، تحریک‌های مذهبی و ایدئولوژیک آسوی عراق و همچنین اقدام به تبعید اتباع ایرانی در مقابل آفید عراق، بامحکوم نبرد و دخش قابل توجهی از خاک ایران به تصرف عراق درآمد. اما پس از صدور حکم و فتوای جهاد از سوی رهبر ایران، آحاد ملت با هر نوع تفکر و عقیده‌ای، برای کمک به جبهه خودی، به میدان شتافتند و پیروزی های زیادی را رقم زدند. دوم اینکه، اساسا فوای نظامی و سیاسی ایران توان مقابله با عراق را نداشتند و این تحریک و انگیزه اسلامی بود که باعث تاب‌آوری ملت وارکان حکومت در دوران جنگ شد و جمهوری اسلامی ایران توانست در برابر حجم زیادی از مشکلات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی دوام بیاورد. با گذشت زمان و در طول سال‌های جنگ نیز، هم‌پیمان شدن دشمنان اسلام و حامیان آنها را رزیم بعث عراق (منافقین، رژیم صهیونیستی، آمریکا و...)، ماهیت ایدئولوژیک و مذهبی این جنگ را بیش از گذشته آشکار کرد. ازاین رو، با وجود زمینه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی متعددی از آغاز تداوم جنگ تحمیلی، به سبب نقش برجسته و بی‌نظیر تفکر اسلامی- شیعی در پیشبرد، مدیریت و فرجام حتمی تحمیلی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و اجتماعی، باید گفت دفاع در برابر تجاوز عراق چیزی نیست جز یک «دفاع مقدس»، نکته دیگر اینکه ظرفیت ها و مؤلفه‌های ملی گویانه، چندان قوت و پویایی نداشت، آن‌گونه که بتواند در برابر شدت و قدرت حمله نظامی عراق، تحریم ها و اجماع جهانی علیه ایران، تأرامی ها و شورش های داخلی اقتصاد شکننده و تنگنای شدید معیشتی، اقتدار ضعیف حکومت و نوپایی آن، اجماع و انگیزه لازم را برای مقابله با جنگ فراگیر و تمام‌عیار، به وجود آورد و آنچه تنها عامل اتحاد قوی و همبستگی در همه سطوح و ارکان حکومت و ملت شد، اعتقاد و انگیزه مذهبی و دینی بود. طوری که حمله عراق راتجاوزی علیه سرزمین اسلامی تلقی کند و مقابله با آن را دفاع از ناموس، وطن و دین برشمارد و هرگونه حضور و کمک به جبهه خودی را امری مقدس بداند.

محور مقاومت در امتداد فرهنگ دفاع مقدس

گرچه نهضت‌های آزادی بخش و مقاومت در برابر نظام‌های مستبد ظالم ازجمله رژیم صهیونیستی، از مدت‌ها قبل به وجود آمده بود اما پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و خروج ایران از بلوک غرب و انتخاب مشی مستقل، معادلات استراتژیک منطقه دگرگون شد و تعارضات ایدئولوژیک و استراتژیک عمیقی در بین قدرت های منطقه ایجاد شد و باتوجه به تحولات ساختار ژئوپلیتیکی منطقه، بهار عربی، بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، راهبردهای امنیتی منطقه تغییر کرد و جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها قدرت منطقه‌ای که از تغییر نظم پیشین در غرب و جنوب غرب آسیا سود می برد، تحریم و قطعنامه های سختگیرانه سازمان ملل، موضع‌گیری‌های نمایان در حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی اتجامید و رفته‌رفته (تاکنون)، بر شدت آن افزوده شد.

حمایت ایدئولوژیک ایران از برخی مخالفان حکومت مرکزی عراق

پس ازپیروزی انقلاب اسلامی نیز همچون گذشته، بعضی از مراجع و علمای شیعه که در ایران مستقر بودند، ظلم و بیداد حکومت بعث علیه شیعیان و مردم عراق را محکوم کرده و خواهان مدارای دولت عراق با ملت عراق، به ویژه شیعیان بودند. درپی حرکت موارد از مخالفت ها، اعتراض ها و شورش های داخلی متعددیکی عراق- حمایت و حتی براساس نظام دینی و مذهبی، به مقابله با نظام تشویق می کردند. این مسأله بهانه ای برای تحریک عراق شده بود.

رویای سیادت بر خلق عرب

حزب بعث به سردمداری صدام، پس از تسلط بر عراق همواره به دنبال کسب جایگاه ویژه‌قدرت در منطقه، به‌خصوص در میان دولت های عربی بود. برای این منظور گسترش فضای جغرافیای توسعه جغرافیای هویتی و فرهنگی و بازندگی مسیر جدید و مطلوب تجارت جهانی ازراه دریا، امری گزینه مناسب برای حزب بعث رسید. شرایط واوضاع نابسامان ایران در اوایل انقلاب، فرصت مغتنمی بود برای رسیدن به این هدف تا با جنگ افروزی و پیروزی دزآن، هم اقتدار دولت عراق به کشورهای منطقه و اعراب نشان داده وتثبیت شود و هم محدودیت جغرافیایی که عراق آن را از نبح بی‌برد، جبران شود.

تنش هیدروپلیتیکی اروندرود و بازشدن زخمی کهنه

عراق کشوری محصور در خشکی است. امنیت منابع آبی عراق نیز تضمین شده نیست. حتی سرچشمه دو نهر بزرگ دجله و فرات هم در خارج از محدوده سرزمینی عراق است و این کشور برای داشتن اقتصاد مطلوب نیاز به گسترش زمینه‌ها و راه‌های تجاری دارد. تنها مسیر دسترسی‌اش عراق به آب‌های آزاد، اروندرود است که پس از مناقشات طولانی، براساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و براساس خط تالوگ، بین ایران و عراق تقسیم شده است. همین مسأله باعث محدودیت بیشتر عراق در دسترسی به خلیج‌فارس شده و باتوجه به مسائل پیش‌گفته، حکومت دولت عراق، حمله نظامی برای گشایش و توسعه مسیر جدید تجاری را بگریزد.

تحریک و حمایت قدرت های جهانی از عراق

بنابر نکته‌ای که بیان شد، قدرت های غربی و حتی شوروی، به دلیل تجدید نظرطلبی انقلابی صورت گرفته در ایران، عملا در هم قدرت منطقه، جایگاه ویژه خود را از دست دادند و براساس قوانین موازنه قدرت، برای برگرداندن وضع قبلی و همراه کردن منطقه قدرت جدید با خود، دست به اقدام مقابله‌ای زدند. گرچه نمی‌توان آمریکا و سایر قدرت های جهانی و منطقه‌ای را عامل اصلی و شروع‌کننده جنگ دانست اما با توجه به اصول موازنه قدرت، آنها حداقل از حمله نظامی عراق را در دسترس کار خود قرار داده و ضمن تحریک و تشویق رژیم بعثی عراق، جنایات او را نادیده گرفته و در همه عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی، به حمایت از عراق پرداختند.

دفاع مقدس در سایه جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی، یک جنگ رسمی و تمام‌عیار نظامی بین دو کشور ایران و عراق با تجاوز آشکار عراق به حریم و تمامیت ارضی ایران، آغاز شد. گرچه این جنگ از جانب عراق، بالنگیزه مسائل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آغاز و دنبال شد اما دفاع در برابر این تهاجم، صرفا یک مسأله سیاسی، نظامی و بالنگیزه‌ملی بود؛ چراکه نخست دولت و ملت عراق این جنگ را علیه حکومتی آغاز کرد که با دیدگاه و شعار ایدئولوژیک و مذهبی و احساب بالای مردمی رویکرد آرامده بود. بنابراین در قدم اول، این جنگ یک تهدید علیه شعار اسلامی- حکومت اسلامی شیعی و ملتی مسلمان و شیعه تلقی شد. چه اینکه در اوایل جنگ، اقدامات پدافندی ایران در مقابل آفند عراق، بامحکو نبرد و بخش قابل توجهی از خاک ایران به تصرف عراق درآمد. اما پس از صدور حکم و فتوای جهاد از سوی رهبر ایران، آحاد ملت با هر نوع تفکر و عقیده‌ای، برای کمک به جبهه خودی، به میدان شتافتند و پیروزی های زیادی را رقم زدند. دوم اینکه، اساسا فوای نظامی و سیاسی ایران توان مقابله با عراق را نداشتند و این تحریک و انگیزه اسلامی بود که باعث تاب‌آوری ملت وارکان حکومت در دوران جنگ شد و جمهوری اسلامی ایران توانست در برابر حجم زیادی از مشکلات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی دوام بیاورد. با گذشت زمان و در طول سال‌های جنگ نیز، هم‌پیمان شدن دشمنان اسلام و حامیان آنها را رزیم بعث عراق (منافقین، رژیم صهیونیستی، آمریکا و...)، ماهیت ایدئولوژیک و مذهبی این جنگ را بیش از گذشته آشکار کرد. ازاین رو، باوجود زمینه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی متعددی از آغاز تداوم جنگ تحمیلی، به سبب نقش برجسته و بی‌نظیر تفکر اسلامی- شیعی در پیشبرد، مدیریت و فرجام حتمی تحمیلی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و اجتماعی، باید گفت دفاع در برابر تجاوز عراق چیزی نیست جز یک «دفاع مقدس». نکته دیگر اینکه ظرفیت ها و مؤلفه‌های ملی گویانه، چندان قوت و پویایی نداشت، آن‌گونه که بتواند در برابر شدت و قدرت حمله نظامی عراق، تحریم ها و اجماع جهانی علیه ایران، تأرامی ها و شورش های داخلی اقتصاد شکننده و تنگنای شدید معیشتی، اقتدار ضعیف حکومت و نوپایی آن، اجماع و انگیزه لازم را برای مقابله با جنگ فراگیر و تمام‌عیار، به وجود آورد و آنچه تنها عامل اتحاد قوی و همبستگی در همه سطوح و ارکان حکومت و ملت شد، اعتقاد و انگیزه مذهبی و دینی بود. طوری که حمله عراق رتجاوزی علیه سرزمین اسلامی تلقی کند و مقابله با آن را دفاع از ناموس، وطن و دین برشمارد و هرگونه حضور و کمک به جبهه خودی را امری مقدس بداند.

حمایت بین‌المللی از عراق

در این راستا برای کسب اطلاعات بیشتر با ساجد کاشفی، مدیر انرژی و کرین شرکت ملی گاز به گفت‌وگو نشستیم. کاشفی در تشریح این ایده برای اقتصادی کردن پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف گاز توضیح می‌دهد: «هم‌اکنون بیش از ۷۰ درصد از انرژی کشورمونو گاز طبیعی تأمین می‌شود که البته به صورت غیربهینه به مصرف می‌رسد. سازمان ملی استاندارد گزارشی را در سال ۱۴۰۲ منتشر کرد که بر مبنای آن در سه بخش صنایع فلزی، نیروگاه‌ها و پایین‌دست نفت یعنی پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها بیشترین هدررفت در مصرف گاز وجود دارد. هدررفت را نیز از انحراف مصرف انجام‌شده نسبت به استاندارد سازمان ملی استاندارد تعریف کرده‌اند.» وی افزود: «شدت مصرف انرژی در ایران بسیار بالا و در برابر میانگین جهانی است و نسبت به برخی کشورهای همسایه ۴ الی ۵ برابر بیشتر است. این موضوع باعث شده ما با پدیده‌ای به نام ناترازی گاز مواجه شویم. برای حل این مشکل ما برای ایجاد بازار بهینه‌سازی و محدود زیست اقدام کردیم که آیین‌نامه آن در سال ۱۳۹۳ به تصویب رسید و بود اما اجرای آن با کندی زیادی مواجه شده است.» کاشفی ادامه داد: «در سال ۱۴۰۲ که مدیریت انرژی و کربن در شرکت ملی گاز شکل گرفت، یکی از اقدامات ما این بود که در گام اول، پذیرش گواهی صرفه‌جویی گاز را در بورس انرژی ایجاد کنیم که در بهمن ماه سال ۱۴۰۲ محقق شد. سپس تلاش کردیم معاملات آن را نیز در این سازوکار رقم بزنیم.»

گواهی صرفه‌جویی انرژی چیست؟

مدیر انرژی و کربن شرکت ملی گاز گفت: «گواهی های صرفه جویی به دو بخش «نوع اول» و «دوم غیراول» تقسیم می‌شود. هدف‌گواهی دوم‌ازنوع اول‌طبق توافقی که با سازمان برنامه‌وبودجه انرژی انجام شده از ابتدای آبان‌ماه تا پایان اسفندماه هر سال در نظرگرفتیم و گواهی صرفه‌جویی غیراوم هم از ابتدای فروردین تا پایان مهرماه هر سال صادر می‌شود. در این دو مدل گواهی صرفه جویی، شرکت ملی گاز تضمین می‌کند که در هر زمانی این گواهی‌ها را به گاز مصرفی تبدیل می‌کند، یعنی صاحب گواهی هرزمانی بخواهد می‌تواند مابه‌ازای گواهی، به میزان تعیین شده گاز دریافت کند.» وی تأکید کرد: «فایده‌گاز این‌گونه است که ابتدا یک سرمایه‌گذار، طرح بهینه‌سازی را طرح دیه‌رحانه بازار بهینه‌سازی انرژی ارائه می‌دهد و سپس آن طرح ارزیابی فنی و اقتصادی می‌شود. در گام بعدی این طرح به کمیسیون صرفه‌جویی انرژی واقع در سازمان برنامه و بودجه ارائه می‌شود که در صورت تایید به شرکت ملی گاز ابلاغ